



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

در رشته روابط بین الملل

موضوع:

بررسی چالش های هژمونی آمریکا از فروپاشی شوروی تاکنون

استاد راهنما :

دکتر علی اصغر زرگر

استاد مشاور :

دکتر سید علی طباطبایی پناه

پژوهشگر :

علی روزبهانی

زمستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر و تشکر

با تقدیر و تشکر شایسته از استاد فرهیخته و فرزانه جناب آقای دکتر علی اصغر زرگر که با نکته‌های دلاویز و گفته‌های بلند، صحیفه‌های سخن را علم پرور نمود و همواره راهنما و راه‌گشای نگارنده در اتمام و اکمال پایان نامه بوده است.

همچنین به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است از استاد فرهیخته و فرزانه جناب آقای دکتر سیدعلی طباطبایی پناه که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی‌های کار ساز و سازنده بارور ساختند؛ تقدیر و تشکر نمایم.

تعه‌دنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب علی روزبھانی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۷۰۸۵۰۰۱۱۰۰ در رشته روابط بین الملل که در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۷ از پایان نامه خود تحت عنوان چالش‌های هژمونی آمریکا از فروپاشی شوروی تا کنون با کسب نمره ۱۹ و درجه عالی دفاع نموده‌ام بدینوسیله متعهد می‌شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه‌های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده‌ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: علی روزبھانی

تاریخ و امضاء: ۱۳۹۰/۴/۱۳

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۷

آقای علی روزبهانی دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره به حروف نوزده و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

دکتر علی اصغر زرگر

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	فصل اول: کلیات تحقیق
۲	۱-۱ بیان مسئله تحقیق
۴	۲-۱ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن
۶	۳-۱ هدف‌های تحقیق
۶	۴-۱ سؤالات یا فرضیه‌های تحقیق
۷	۵-۱ پیشینه و ادبیات تحقیق
۱۰	۶-۱ سازماندهی تحقیق
۱۰	۷-۱ مدل تحقیق
۱۰	۸-۱ روش تحقیق
۱۱	۹-۱ قلمرو تحقیق
۱۱	۱۰-۱ روش گردآوری اطلاعات
۱۱	۱۱-۱ متغیرها و واژه‌های کلیدی
۱۵	۱۲-۱ محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق
	فصل دوم: مطالعات نظری
۱۷	۱-۲ سلطه
۱۹	۲-۲ امپریالیسم
۲۰	۱-۲-۲ امپریالیسم ناشی از قدرت
۲۰	۲-۲-۲ امپریالیسم اقتصادی
۲۲	۳-۲-۲ تبیین زیست‌شناسی اجتماعی امپریالیسم

عنوان	صفحه
۲-۲-۴ امپریالیسم ناشی از ایدئولوژی	۲۲
۲-۳ نظریه وابستگی	۲۳
۲-۴ نظریه‌های چرخه‌ای استیلا یا هژمونی	۲۴
۲-۴-۱ استیلاي فرهنگي	۲۵
۲-۴-۲ استیلاي اقتصادي	۲۵
۲-۴-۳ استیلاي نظامي	۲۶
۲-۴-۴ استیلاي سياسي	۲۶
۲-۵ هژمونی	۲۶
۲-۵-۱ برداشت‌های مارکسیستی از هژمونی	۲۶
۲-۵-۲ نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی	۲۹
۲-۵-۳ هژمونی از دیدگاه لویی آلتوسر	۳۸
۲-۵-۴ هژمونی از دیدگاه گراس‌برگ	۳۹
۲-۵-۵ هژمونی از دیدگاه رابرت کاکس	۴۰
۲-۵-۶ هژمونی از دیدگاه استفان گیل	۴۴
۲-۵-۷ بحث پیرامون هژمونی از منظر سیستم جهانی	۴۵
۲-۵-۸ نظریه هژمونی جورج مدلسکی	۴۹
۲-۵-۹ برداشت‌های رئالیستی-لیبرالیستی از مفهوم هژمونی	۵۰
۲-۵-۱۰ نظریه هژمونی چامسکی	۵۴
۲-۵-۱۱ نظریه ثبات مبتنی بر سیطره	۵۵
۲-۵-۱۲ تئوری استفن کراسنر	۵۹
فصل سوم	
۳-۱ آغاز رقابت آمریکا برای کسب برتری در سیاست جهانی	۶۲

عنوان	صفحه
۲-۳ تئودور روزولت و اعتلای امریکا به یک قدرت جهانی	۶۶
۱-۳-۳ جنگ جهانی اول و سیاست بی‌طرفی در سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۷	۶۸
۲-۳-۳ ورود آمریکا به جنگ	۶۹
۴-۳ جامعه ملل	۷۴
۵-۳ سیاست اعطای وام‌های خارجی	۷۷
۶-۳ کنفرانس دریایی واشنگتن؛ پلی برای برتری	۷۸
۷-۳ ایالات متحده و آمریکای لاتین	۷۹
۸-۳ جنگ جهانی دوم	۸۱
۹-۳ سازمان ملل	۸۴
۱۰-۳ صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی؛ نهادهایی در خدمت هژمونی	۸۸
۱۱-۳ طرح مارشال	۹۰
۱۲-۳ سیاست داخلی و جنگ سرد	۹۲
۱۳-۳ سیاست نگاه نو در زمینه‌ی دفاعی	۹۴
۱۴-۳ آمریکا و برقراری نظم هژمونیک بین‌الملل لیبرال	۹۵
۱-۱۴-۳ شکل‌گیری و توسعه‌ی اقتصادی ایالات متحده آمریکا بعنوان قدرت برتر	۹۶
۲-۱۴-۳ اتمام جنگ جهانی دوم و بازسازی اقتصاد جهانی	۹۹
۳-۱۴-۳ پول هژمونیک و برقراری نظم بین‌الملل لیبرال	۱۰۹
۱۵-۳ ناتو؛ ابزاری نظامی-امنیتی برای تثبیت هژمونی آمریکا	۱۱۸
۱-۱۵-۳ شاخص‌های هژمونی آمریکا در ناتو	۱۳۰
فصل چهارم	
چالش‌های جهانی و منطقه‌ای مقابل هژمونی آمریکا	۱۳۴

عنوان	صفحه
۱-۴ چالش امنیتی؛ تروریسم	۱۳۶
۲-۴ یازده سپتامبر؛ نماد آسیب‌پذیری آمریکا	۱۴۶
۳-۴ ظهور قدرت‌های جدید	۱۵۵
۱-۳-۴ اتحادیه اروپا در برابر آمریکا	۱۵۵
۲-۳-۴ چین؛ چالشی جدی در برابر هژمونی آمریکا	۱۶۲
۳-۳-۴ صعود چین و توازن آمریکا	۱۶۶
۴-۳-۴ برزیل؛ ظهور قدرتی تازه	۱۷۴
۱-۴-۳-۴ قدرت جهانی	۱۷۵
۲-۴-۳-۴ اقتصاد شکوفا	۱۷۷
۳-۴-۳-۴ ذخایر بزرگ اورانیوم	۱۷۸
۴-۴-۳-۴ مقابله با قدرت‌های بزرگ	۱۷۹
۵-۴-۳-۴ استراتژی آمریکا	۱۸۰
۴-۴ چالش‌های هژمونی آمریکا در منطقه خلیج فارس	۱۸۱
۱-۴-۴ سیاست آمریکا برای سیطره بر خلیج فارس	۱۸۳
۲-۴-۴ بازیگران و چالش‌های منطقه‌ای	۱۸۷
۳-۴-۴ رویکرد دولت‌های جنوب خلیج فارس: استراتژی همکاری و همراهی	۱۸۷
۴-۴-۴ بازیگران منطقه‌ای مخالف: استراتژی موازنه و تعارض	۱۹۰
۵-۴-۴ رویکرد قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس	۱۹۲
۶-۴-۴ موازنه نرم چالشی جدید در برابر هژمون	۱۹۳
۵-۴ سازمان همکاری شانگهای	۱۹۷
۶-۴ بهار عربی و شکست طرح خاورمیانه بزرگ	۲۰۱
۱-۶-۴ طرح خاورمیانه بزرگ	۲۰۲

صفحه	عنوان
۲۰۶	۲-۶-۴ بهار عربی
۲۱۳	۳-۶-۴ پیامدهای بیداری اسلامی برای آمریکا
۲۱۶	۷-۴-۷ جنبش وال استریت
۲۱۷	۱-۷-۴ ابعاد و ماهیت بحران
۲۲۴	۲-۷-۴ افول نظام سرمایه‌داری
۲۲۶	۳-۷-۴ فروپاشی از درون
	فصل پنجم
۲۲۸	نتیجه‌گیری
۲۳۶	منابع

مقدمه

طی جنگ جهانی دوم که اقتصاد اروپا به عنوان موتور محرکه اقتصاد جهان و مرکز اصلی تولید ثروت جهان بود از هم پاشید و منهدم شد، ایالات متحده آمریکا تبدیل به قدرت بلامنازع جهانی شد. پس از جنگ ایالات متحده آمریکا از طریق ایجاد، تقویت و گسترش رژیم‌های مالی، پولی، تجاری، سیاسی و نظامی بین‌المللی به تثبیت و تقویت نظم بین‌المللی هژمونیک خویش پرداخت و با توسعه‌ی این نظم حاکمیت بلامنازعی را برای خود تثبیت کرد. ایالات متحده آمریکا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اهداف و سیاست‌های خود را پیگیری کرد و سعی کرد تا نظم موجود جهانی بر اساس منافع خودش و برپایه گسترش لیبرال دموکراسی و نظام آزاد سرمایه‌داری شکل بگیرد اما پس از اضمحلال سیستم دوقطبی هژمونی ایالات متحده با چالش‌های گوناگونی مواجه شد. ارجحیت یافتن منافع ملی دولت هژمون نسبت به منافع عمومی و همگانی تمامی دولت‌های عضو سیستم سبب شد تا سایر قطب‌ها در مقابل قدرت فزاینده‌ی هژمون دست به تشکیل اتحادها و ائتلاف‌ها بزنند تا توانایی‌های تنها ابرقدرت موجود را تعدیل نمایند. ظهور قدرت‌های جدید اقتصادی، سیاسی، نظامی سبب شد تا تأثیرگذاری و اشنگتن بر رفتار سایر قدرت‌ها به صورت آشکاری کاهش یابد و هژمونی ایالات متحده را با چالشی جدی مواجه سازد. از طرف دیگر ظهور گروه‌های تروریستی فراملیتی و دستیابی این گروه‌ها به تجهیزات مدرن امنیت ملی ایالات متحده را با چالشی جدی مواجه ساخت؛ آنچه که چالش‌های پیش‌روی آمریکا را بیش از پیش پیچیده می‌سازد، وجود این حقیقت است که واشینگتن در قرن بیست‌ویکم دیگر به عنوان تنها ابرقدرت نظامی دنیا مطرح نخواهد بود. وقوع انقلاب‌های متعدد در خاورمیانه و سقوط حکومت‌های متحد آمریکا منافع ایالات متحده را در این منطقه به شدت به مخاطره انداخته است. از طرف دیگر مشکلات داخلی ایالات متحده به طور فزاینده رو به گسترش است و این کشور را درگیر بحران‌های دامنه‌دار سیاسی و اجتماعی کرده است؛ بحرانی که به شکل-گیری جنبش وال‌استریت انجامید؛ جنبشی که نظام سرمایه‌داری لیبرال موردنظر آمریکا را با چالشی جدی مواجه ساخته است و همچنان ادامه دارد.

فصل اول : کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مسأله تحقیق :

آمریکا به پشتیبانی قدرت نظامی و اقتصادی خویش در طول دو جنگ جهانی و پنج دهه جنگ سرد به یک کشور قدرتمند و تأثیرگذار جدی بر روند تحولات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی جهانی تبدیل شد و توجه مردمان و دولت‌های جهان را به سوی خود جلب کرد و جهانیان پذیرفتند که رهبری ایالات متحده برای جهانی با صلح بیشتر و شکوفاتر ضروری است. در این دوره‌ی زمانی آمریکا توانست قدرت هژمونیک خود را تثبیت کند و اهداف خود را پیش ببرد.

به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۹۰ میلادی، تغییرات زیادی در نظام بین‌الملل روی داد که فروپاشی نظام دوقطبی از مهمترین آنها بود. شاید نبود یک رقیب و توازن دهنده‌ی معادلات جهانی در برابر آمریکا همچون شوروی در ابتدا مسرت بخشی و نوید یک جهان تک‌قطبی با رهبریت آمریکا را می‌داد ولی ایالات متحده پس از گذشت چند صباحی از فروپاشی نظام دوقطبی متوجه این نکته گردید که اگر در دوران جنگ سرد با یک دشمن و رقیب قوی روبه‌رو بود که منافع ملی و امنیت آمریکا را تهدید می‌کرد، در حال حاضر اکثر بازیگران قدیمی و جدید بین‌المللی دشمن و رقیب بالقوه آمریکا هستند و امنیت آمریکا را به خطر می‌اندازند. در گذشته اروپای غربی و سایر کشورهای بلوک غرب از ترس وجود یک خطر بزرگ مثل شوروی به آمریکا پناه آورده بودند و

امنیت خود را با امنیت آمریکا گره زده بودند، ولی در دنیای فعلی که شوروی وجود ندارد فلسفه وجودی حمایت از امنیت آمریکا برای اروپای غربی و بلوک غرب به غیر از انگلیس معنای خاصی ندارد، از سوی دیگر ایالات متحده با دشمنان جدیدی به نام گروه‌های تروریستی مواجه است، گروه‌هایی که جایگاه و مکان مشخصی ندارند تا پاسخ حملات آنها را به سرعت داد، همانند حمله القاعده به خاک آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۱، لذا مشاهده می‌شود که ایالات متحده که دنیا را دهکده جهانی می‌داند در دوران پست مدرنیسم، بازگشت و عقب‌گردی اجباری به ابزارهای قدیمی حفظ امنیت آورده و بهره‌گیری از زور و نیروی نظامی برای حفظ امنیت خود را در دستور کار گذاشته است و گفتمان امنیتی خود را بالاجبار تنها در حوزه نظامی می‌بیند از جمله حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ بدون مجوز شورای امنیت و همراهی قدرت‌های برتر اروپا یعنی آلمان و فرانسه، که همین امر مشروعیت قدرت هژمون را به چالش کشانیده است.

از سوی دیگر هژمونی اقتصادی آمریکا به دلایلی چون هزینه‌های سنگین هژمونی‌جویی با اختلال مواجه شد، از زمانی که سیستم نرخ ارز ثابت برتون وودز در اوایل دهه ۱۹۷۰ منحل گردیده بود تلاش‌های آمریکا در جهت بازگشت به موقعیت طلایی دو دهه اول جنگ سرد به نتیجه لازم نرسید. هزینه‌های هژمونیسم آمریکا، هزینه‌هایی بودند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با هدف تولید برخی کالاهای عمومی بین‌المللی از جمله امنیت بین‌الملل، ثبات پولی بین‌المللی و تجارت آزاد بین‌المللی که لازمه حفاظت یا تقویت هژمونی آمریکا بودند، به کار گرفته می‌شدند. سنگینی و فرساینده‌گی این هزینه‌ها به استفاده بی‌حساب برخی متحدین یا طرف‌های سوم از کالاهای عمومی بین‌المللی بازمی‌گشت. برخی متحدین اصلی آمریکا در حالی که امنیت و توسعه نظام سرمایه‌داری را لازمه منافع بنیادین خود می‌دیدند، در تأمین هزینه‌های آن مشارکت لازم را نداشتند. علیرغم برخورداری از جایگاه برتر در نظام جهانی، وابستگی فزاینده و روزافزون اقتصاد ملی ایالات متحده آمریکا به بازارهای خارجی، افزایش کسری‌های تراز تجاری و حساب جاری، آسیب‌پذیری امنیت تجاری و سایر منافع اقتصادی خارجی خصوصاً در پی ظهور و گسترش روزافزون قدرت‌های اقتصادی

همچون اتحادیه اروپا، چین، روسیه، برزیل و... و همچنین گسترش منطقه‌گرایی اقتصادی و تجاری در سطح سیستم اقتصاد جهانی از یک طرف و تحولات عمده در سطح نظام جهانی بویژه پس از پایان جنگ سرد و دوران نوین نظام جهانی از سوی دیگر، عوامل مهمی هستند که هژمونی ایالات متحده آمریکا را به طرق گوناگون به چالش کشیده‌اند.

۱-۲- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن :

پس از بریتانیای کبیر که در قرن نوزدهم طلایه‌دار حفظ توازن قدرت در اروپا و ترویج دهنده نظام اقتصادی بین‌المللی و حفظ آزادی دریاها بود ایالات متحده با پیروی از آئین مونروئه و اتخاذ سیاست انزواطلبی، توانست تعداد تأسیسات تولیدی در داخل کشورش را تقریباً ۵۰ درصد رشد دهد و بر تولید فیزیکی کالاها بیش از ۵۰ درصد بیافزاید. در واقع در سال‌های ۴۴-۱۹۴۰ گسترش صنعتی ایالات متحده آمریکا با گام‌های بلندی افزوده شد به همین دلیل ابعاد واقعی قدرت آمریکا از نظر مفهوم، مطلق، بی نظیر و بی‌سابقه بود. در میان قدرت‌های بزرگ، آمریکا تنها کشوری بود که به علت جنگ، به جای فقیر شدن، ثروتمندتر شد. این قدرت اقتصادی، در توانایی نظامی ایالات متحده انعکاس یافت، به طوری که در پایان جنگ ۷/۵ میلیون نفر را در ماورای بحار در خدمت نیروهای مسلح خود داشت. داشتن سلاح‌های جدید و بمب اتمی در این فرایند تأثیر بسزایی داشت. در واقع با توجه به آنکه پس از دو جنگ جهانی اول و دوم قدرت‌های سستی اروپا در حال افول بودند، ایالات متحده در خلایی که افول آن قدرت‌ها بوجود آورده بود، گام به پیش نهاد و از اینکه قدرت اول شده بود، دیگر نمی‌توانست خود را در محدوده سواحل یا حتی نیمکره خود محبوس نگهدارد. ایالات متحده آمریکا با توسل به قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی خود برتری محسوسی نسبت به دیگر قدرت‌های جهانی در قرن بیستم یافت و به یک قدرت بلامنازع و هژمون جهانی

تبدیل شد. در دوران جنگ سرد آمریکا دارنده قدرتمندترین واحد پولی، بالاترین میزان سرمایه، بیشترین بازیگران تجاری و بزرگترین بازار جهان بود. آمریکا با برخورداری از بزرگترین اقتصاد جهان همراه با قدرت نظامی منحصر بفرد، در دوره پس از جنگ سرد نیز در پی همان نقشی بود که در دوره جنگ سرد بالاخص دو دهه اول آن دنبال می‌کرد. اما پس از فروپاشی کمونیسم محیط بازی تغییر یافت. در این دوره، هژمونی امنیتی آمریکا بُعدی جهانی پیدا کرده یا به عبارت دیگر آمریکا به مولد اصلی کالای عمومی امنیت در سطح جهان تبدیل شد؛ اما به لحاظ اقتصادی به‌رغم برخورداری از بزرگترین اقتصاد، کاهش شدید تراز تجاری از یکسو، قدرتمند شدن آلمان و ژاپن از دهه ۱۹۸۰ به بعد و خیزش قطب‌های اقتصادی رقیبی چون چین، هند، برزیل و... از دهه ۱۹۹۰ به بعد هژمونی اقتصادی آمریکا را به چالش کشیدند. از سوی دیگر حوادث یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ نشان داد که این قدرت هژمون با یک دشمن مشخص مواجه نیست و از طرفی نیز شکننده و قابل نفوذ است و همین امر چالشی جدی برای هژمونی آمریکا محسوب می‌شود. از طرف دیگر رویکرد سیاسی - ایدئولوژیک هژمون، جوهره نرم‌افزاری هژمونی آن را تشکیل می‌دهد. دولت هژمون باید در راستای جلب مشروعیت برای هژمونی خود، ایده‌های موجه و گیرا ارائه دهد. ایده‌هایی چون لیبرالیسم، دموکراسی، حقوق بشر و سرمایه‌داری که همواره مورد حمایت آمریکا بوده‌اند، اما با روی کار آمدن شبکه‌های خبری بین‌المللی جدید در نقاط مختلف دنیا و شکسته شدن انحصار شبکه‌های خبری آمریکا آن روی دیگر لیبرالیسم، دموکراسی، حقوق بشر و سرمایه‌داری آمریکائی برای مردم دنیا بالاخص مردم خود آمریکا نمایان شد و همین امر مشروعیت قدرت هژمون را به شدت کاهش داده و در حال حاضر نیز جهانیان شاهد هستند که چگونه جنبش وال استریت نظام سرمایه‌داری آمریکا را به چالش کشانیده است.

هژمونی ایالات متحده آمریکا در دوره پس از جنگ سرد با چالش‌هایی مواجه شده که در این تحقیق سعی بر آن است که عمده‌ترین آنها مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد.

۱-۳- هدف‌های تحقیق :

هدف از تحقیق بررسی چالش‌های هژمونی ایالات متحده آمریکا از فروپاشی شوروی (۱۹۹۱) تا پایان سال ۲۰۱۱ میلادی است.

۱-۴- سؤالات و فرضیه‌های تحقیق (بیان روابط بین متغیرهای مورد مطالعه):

سؤال اصلی :

هژمونی آمریکا پس از اضمحلال شوروی با چه چالش‌هایی روبرو شده است؟

سؤالات فرعی :

- ۱- آیا آمریکا توان رویارویی با چالش‌های پیش روی خود را دارد؟
 - ۲- با توجه به ظهور قدرت‌های جدید، آیا آمریکا می‌تواند به رهبر مطلوب جهانی در قرن بیست و یکم تبدیل شود؟
 - ۳- آیا دولت‌های شریک همانند اروپای غربی همچون گذشته آمریکا را به عنوان قدرت هژمون پذیرفته‌اند و از آن پیروی می‌کنند؟
 - ۴- آیا سیاست‌های هژمون در نقاط مختلف دنیا همچون گذشته قابل اجراست؟
 - ۵- آیا آمریکا می‌تواند هژمونی سابق خود را باز یابد؟
- فرضیه: به نظر می‌رسد هژمونی غالب آمریکا در قرن بیستم پس از فروپاشی شوروی با توجه به تغییر مؤلفه‌های قدرت و ظهور قدرت‌های جدید در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی با چالش‌های جدی مواجه گردیده است .

۱-۵- پیشینه و ادبیات تحقیق:

با وجود منابع ارزشمند علمی در خصوص موضوع مورد بحث تحقیق به صورت مقاله و کتاب در زبان انگلیسی، متأسفانه در زبان فارسی منابع انگشت‌شماری در این رابطه به رشته تحریر درآمده است. از جمله کتاب‌هایی که در این طیف به زبان انگلیسی نگاشته شده و به فارسی برگردانده شده است می‌توان به کتاب «آمریکا پس از جهانگشایی» اثر امانوئل تود اشاره کرد. وی در این کتاب انحطاط و سقوط امپراطوری آمریکا را نشان داده، از تضعیف ایالات متحده در خارج و نابود کردن نظام استراتژیک آمریکا و کاهش حیثیت و مشروعیت بین‌المللی این کشور سخن به میان می‌آورد و می‌گوید که نظم و آرایش آمریکایی در حال درهم ریختن است.

از دیگر پژوهش‌ها می‌توان به کتاب «چالش‌های سیاست خارجی آمریکا» اثر جان لاول اشاره کرد. نویسنده در این کتاب به سیر تحول تاریخی سیاست خارجی آمریکا از اوائل قرن ۱۹ تا آخرین سال‌های دهه ۱۹۸۰ می‌پردازد و در این راستا وی ضعف اصلی سیاستگذاران آمریکایی و به بیان دقیق‌تر، ساختار داخلی تصمیم‌گیری ایالات متحده را در تهیه و تنظیم سیاستی می‌داند که به گونه‌ای متناسب با اوضاع متحول موجود جهان باشد. کتاب لاول نکات مهم و برجسته‌ای پیرامون سیاست خارجی آمریکا دربردارد اما این نکات به صورت پراکنده در فصول مختلف طرح شده‌اند؛ وی به موضوعاتی مانند تقسیم‌بندی‌های سیاسی- اقتصادی در نظام بین‌المللی، وابستگی، وابستگی متقابل و تعدد قطب-های جهانی اشاره کرده و استنتاج می‌کند که با توجه به پیچیدگی‌های مختلف و وابستگی‌های متقابل آمریکا و سیاست خارجی آمریکا با چالش‌های بسیاری روبروست. او معتقد است که از لحاظ تکنیک تحقیق و توسعه، آمریکا موتور نظام بین‌المللی باقی خواهد ماند اما به تنهایی قادر به مدیریت آن نخواهد بود.

از دیگر آثاری که هژمونی ایالات متحده را مورد بررسی قرار می‌دهد کتاب «تنها ابرقدرت (هژمونی آمریکا در قرن ۲۱)» نوشته جی جان ایکنبری است. در این کتاب نویسنده به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای این پرسش است: «دوران تک قطبی» آمریکا چه مدت دوام خواهد یافت؟ فصول این کتاب

پاسخ‌هایی برای این سؤال ارائه می‌کنند که در واقع در جواب به سؤال مشخص‌تری ارائه شده‌اند: «چرا به رغم فاصله فزاینده میان قدرت ایالات متحده و دیگر کشورهای بزرگ، یک ائتلاف برای مقابله با این عدم تعادل قوا ایجاد نشده است؟»

«انتخاب: سلطه یا رهبری» نوشته زیگنیو برژینسکی اثری است که مسائل کلان پیش‌روی نقش هژمونیک ایالات متحده در ابتدای قرن ۲۱ را موشکافی می‌کند و مسائلی همچون امنیت ملی، امنیت جهانی، جهانی شدن و رابطه‌ی شکننده دموکراسی و هژمونی را بررسی می‌کند. نویسنده بر بی‌سابقه بودن قدرت آمریکا در آغاز قرن ۲۱ تأکید دارد و جنبه‌های مختلف این قدرت را به طرق مختلف نشان می‌دهد. از این رو وی معتقد است که برای هژمونی کنونی آمریکا و نقش قدرت ایالات متحده در مقام مؤلفه‌ی اجتناب‌ناپذیر امنیت جهانی عملاً بدیلی وجود ندارد ولی این ابرقدرت جهانی با تهدیداتی از جانب دشمنانی به مراتب ضعیف‌تر روبروست که امنیت ملی ایالات متحده را به مخاطره انداخته‌اند و ایالات متحده باید با آن‌ها مقابله کند. از سوی دیگر چون ایالات متحده در مرکز جامعه جهانی قرار دارد این مسئولیت بر عهده اوست که یا بر جهان تسلط یابد یا بر آن رهبری کند.

از آثار دیگری که در زمینه تحقیق حاضر به چاپ رسیده است می‌توان به کتاب لیود جی متیوز به نام «چالش‌های متقارن و نامتقارن آمریکا» اشاره کرد. نویسنده در این اثر عدم تقارن و مباحث مرتبط با آن را در حوزه جنگ و امنیت به رشته تحریر درآورده است؛ در مورد جنگ‌های گذشته منجمله جنگ ویتنام و مشکلات آمریکا در آن جنگ‌ها سخن به میان آورده است و در مورد جنگ‌ها و تهدیدات نوین از جمله ویروس‌های بیولوژیکی، رایانه‌ای و شناخت‌نگر توضیح داده است و در پایان نیز به بررسی تهدیدات امنیتی آمریکا از ناحیه کشورهای کوچک همچون عراق، کره شمالی و ایران توضیح داده است.

«امپراطوری رو به مرگ؛ امپریالیسم آمریکا و مقاومت جهانی» تألیف فرانسیس شور کتابی است که به بررسی چیرگی جهانی امپراطوری آمریکا در دوره پس از جنگ جهانی دوم و چند و چون برپایی طرح‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیستی ایالات متحده و چالش‌هایی که در پایان سده‌ی

بیستم و آغاز سده‌ی بیست و یکم در برابر آنها قد علم کرده است، می‌پردازد. این نوشته تازه‌ترین بحث‌های انتقادی درباره‌ی امپریالیسم آمریکا و جهانی سازی را در خود فراهم می‌آورد تا روشن سازد چه روش‌ها و امکاناتی برای مقاومت جهانی در برابر آنها وجود دارد.

از جمله آثار مهمی که در رابطه با هژمونی ایالات متحده آمریکا به زبان فارسی به رشته تحریر درآمده‌اند می‌توان به این کتاب‌ها اشاره نمود: "سیاست خارجی آمریکا و هژمونی" نوشته دکتر حسین دهشیار که چارچوب‌های نظری حاکم بر سیاست خارجی آمریکا، نقش رهبری در شکل دادن به اهداف، عملکرد نهادها در پاگیری تداوم این اهداف و عملکردهای آمریکا در صحنه خارجی را نشان داده است. نویسنده در این کتاب ۱۱ سپتامبر را پیامد شکل‌گیری تفوق آمریکا در صحنه جهانی می‌داند و معتقد است که توفیق آمریکا در رسیدن به اهدافش بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر حکایت از نهادینه شدن تفوق آمریکا دارد.

کتاب "آمریکا و ناتو؛ (پایایی و گسترش ناتو و هژمونی آمریکا)" تألیف دکتر بهادر امینیان اثری دیگر در حوزه تحقیقاتی هژمونی آمریکاست که به معرفی، شکل‌گیری، تحول و توسعه ناتو می‌پردازد و با محوریت دیدگاه هژمونی تلاش نموده است تا از مباحث کارآیی نهادی و دارایی‌های ناتو، تثبیت و گسترش هژمونی ایالات متحده را از طریق این سازمان نشان دهد.

اثر درخور توجه دیگر کتاب "اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تغییرات قدرت آمریکا: از چندجانبه‌گرایی هژمونیک تا یکجانبه‌گرایی افول" نگاشته شده توسط دکتر حسین پوراحمدی است که به مطالعه و شناخت کنش‌ها و واکنش‌های موجود میان مجموعه عوامل داخلی و خارجی در روند تدوین و تغییر اصول سیاست و تجارت خارجی ایالات متحده آمریکا خصوصاً در دوران افول هژمونی و پس از آن می‌پردازد. نویسنده اهداف و منافع آمریکا در سیستم اقتصاد سیاسی جهانی را به خواننده می‌شناساند و آسیب‌پذیری‌های اقتصاد سیاسی آن را به ویژه در ابعاد جهانی و منطقه‌ای ترسیم می‌کند. در واقع نویسنده درصدد است تا روابط موجود میان تحولات سیاست و تجارت خارجی ایالات متحده از یک